

«حبیب لا یجیب حبیبه» چطور است که رفیق جواب رفیق را نمیدهد؟
بفهم «یا لَیْتَنی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً» ما که می گیم الکی نیست.

عاشقانه همه دارند یک سال زحمت می کشند پول این ور اون ور جدا می کنند برای اینکه بتوانند موکبهای امام حسین را اداره بکنند.

بسم الله الرحمن الرحيم سلام عرض کنم خدمت همه شنوندگان عزیزمان. شاید این پادکست اربعین آخرین قسمت پادکست ما باشد. ما را دعا کنید ما را یادتان نرود در پیاده رویتان، قبل از اربعین، بعد از اربعین اگر این پادکست رو شنیدید و به هر جهت به اسرار بحث های اربعین یک مقداری نزدیک شدید، حتما ما را یادتون نرود.

خب ما یک جمع بندی بکنیم تا حالا چه گفتیم راجع به بحث اربعین. یکی از بحث های مهمی که داشتیم مقایسه اربعین بود با بحث حج. کلا زیارت سیدالشهدا و بحث حج. انقدر تاکید به زیارت سیدالشهدا شده است که بعضیها فکر می کردند میشود دیگر حج نرفت. یعنی تا این حد تاکید بر زیارت سیدالشهدا بود. حرکت کاروانی به سمت امام بحث شد که هر موقع حرکت کاروانی داشته باشیم یعنی به سمت امامیم ما. پس لذا باید بحث ظهور و حضرت مهدی عجل الله تعالی باید خیلی جدی باشد. یعنی قدم به قدم بر می دارید یاد حضرت باشید. یاد این باشید که قرار است این حرکت شما به حرکت ظهور منجر بشود. راجع به این ماهیت اربعین صحبت کردیم گفتیم ماهیتش عزاداری خیلی نیست ماهیت اربعین. حالا ممکن است شما یک مقداری عزاداری بکنید و اشکال ندارد ولی ماهیتش لشکرکشی و قشون کشی است و خلاصه. ماهیتش شبیه حج است. ماهیتی است که حالا خواهیم گفت که بخشی به صورت جدی برائت از مشرکین است و این را باید حتما جدی بگیریم.

یک مقداری راجع به کمپین سازی امام حسن عسکری علیه السلام برای شیعه در دوره غیبت با همدیگر صحبت کردیم. مطلب جالبی بود. حتما به آن مجدد توجه بکنید. حالا یک چند تا نکته دیگر هم خدمتان عرض بکنم و انشا الله فکر می کنم این پادکست میشود بخش آخر.

نکته اول به این دقت بکنید که ما در بحث زیارت اربعین، زیارت اربعین با جناب جابر شروع میشود. جابر خودش یک شخصیت خاصی است. شخصیتی است که جزو اصحاب سر امیرالمومنین و حضرت زهرا سلام الله علیهماست. یعنی جناب جابر، جناب سلمان اینها کسانی هستند که در داخل خانه امیرالمومنین می توانند بروند. حتی با حضرت زهرا سلام الله علیها اجازه صحبت دارند. اینها کم شخصیت هایی نیستند. جناب جابر با عطیه عوفی که عطیه هم یک پدیده ای است برای خودش، کسی است که گاهی اوقات انقدر سنگ امیرالمومنین را به سینه زده که بابتش هزار ضربه شلاق خورده است. هزار تا میدونید چیست؟ هزار ضربه شلاق خورده است.

این دو بزرگوار خودشان را به اربعین برای زیارت امام حسین می رسانند. با توجه به اینکه ما گفتیم که ما چیزی به نام پدیده اربعین نداریم، در حقیقت اربعین گیری نداریم. این معلوم است که جابر این را از حضرت امیر گرفته است، از حضرت زهرا گرفته است. این مطلب را از جای دیگر گرفته است. شواهد دیگر هم هست برای این. مثلا شما در عباراتی که جابر خطاب به قبر امام حسین و امام حسین می گوید در زیارت اربعین، عبارات، عبارت هایی هست که این عبارات ها عبارت های زیارت عاشورا است، عبارت زیارت اربعین بعده هاست که توسط امام صادق این عبارت ها آمده است. معلوم است که امام صادق از جابر نگرفته اند. معلوم است که به جابر تعلیم داده شده است زیارت اربعین و او مسئول این است که پدیده ای به نام زیارت اربعین را در مورد ابی عبدالله شروع بکنند. جابر شخصیت بسیار ارزنده ای است. می دانید که زیارت امین الله معروف از طرف جابر رسیده است و خلاصه می خواهم بگویم که این پدیده، پدیده ای نبود که حالا چون جابر اربعین رسید به کربلا حالا مسئله زیارت اربعین حقیقت خیلی جدی شده است. نخیر! به نظر می رسد که تعلیم داده شده و سناریو از قبل برای امثال جابر به مقداری مشخص شده است. من یک مقداری عبارت هایی که جابر در این زیارت گفته است بگویم، یک مقداری خودمان را به زیارت اربعین نزدیک بکنیم.

با عطیه وارد سرزمین کربلا میشوند. وارد گودی قتلگاه میشوند. جابر به عطیه می گوید دست من را بگذار روی قبر. وقتیکه دستشان را میگذارند رو قبر، دارد که یکهو از هوش میروند جابر. جابر از هوش میروند و عطیه می گوید من شروع کردم با آب جابر را به هوش آوردم. بعد شروع کرد جابر گفت یا حسین، یا حسین، یا حسین و شروع کرد به امام حسین صدا زدن. بعد خودش گفت «حبیب لا یجیب حبیبه» چطور است که رفیق جواب رفیق را نمیدهد؟ چه شده؟

بعد خودش جواب خودش می دهد. میگوید وقتیکه بین سر مبارک و تن مبارک فاصله افتاده، این حلقوم بریده شده است چه طور باید رفیق جواب رفیق خودش را بدهد.

بعد مطالبی می گوید. جابر آنجا یک زیارت نامه ای دارد، یک زیارتی دارد که این عبارت هایی شبیه به زیارت عاشورا دارد. بعدش یک نکته ای که من می خواهم روی این نکته تاکید کنم و دقت کنم با وجود یک شخصیت جابر است. جابر بر می گرده می گوید «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا»، قسم به نبی که مبعوث شده است، «لَقَدْ شَارَكْنَاكُمْ فِيهَا مَا دَخَلْتُمْ فِيهِ» میگوید ما در این امر، در این امر کربلا زیارت، در این امر قیامی که شما کردید ما با شما مشارکت کردیم.

عطیه شاک می شود. ما کجا مشارکت کردیم؟ ما کاری نکردیم. اینها همه کار کرده اند، شمشیر کشیده اند، حلقومشان بریده شده است، از تپه ها و کوه ها بالا رفته اند، برای چه ما با آنها مشارکت کردیم؟ جواب جابر یک جواب فنی است. شما که دارید راه میروید، شما می که دلان الان همراه با پیاده روندگانی است که دارند به صحرای کربلا نزدیک میشوند. جابر می گوید «يَا عَطِيَّةُ! سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُسْرًا مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِ» از رسول خدا شنیدم کسیکه قومی را واقعا دوست داشته باشد، واقعا هوایی آن قوم باشد با آنهاست. کسیکه عمل یک قومی رو دوست داشته باشد، واقعا ته جگرش دارد می گوید یا ابا عبد الله ای امام حسین به خدا اگر ما هم در صحرای کربلا بودیم، اگر ما هم بودیم در آن زمان، صدای ندای «هل من ناصر» شما رو شنیدیم به خدا ما هم می آمدیم. و بر این دعوای خودش و ادعا خودش ادعای صدق دارد می تواند در حقیقت صدق مسیر خودش را ثابت کند، بگوید من تا این جا آمدم، زخم خوردم تا این جا آمدم، مشکل مالی دیدم تا این جا آمدم، تهمت شنیدم تا این جا آمدم باز هم میایم. من پشت سر شما حرکت میکنم. اگر کسی این کار را بکند داریم که «حشر معهم» با این ها محشور میشود و این مهم است که چه نیکی انسان داشته باشد.

بگذارید برویم سراغ خطبه دوازدهم نهج البلاغه به آن جا یک اشاره بکنم که بفهمیم «یا لیتنی کنت معهم فأفوز فوزاً عظيماً» ما که می گوئیم الکی نیست. ما که می گوئیم واقعا دنبال این هستیم که ای کاش بودیم و به این فوز عظیم نائل می شدیم. گفتند که هر موقع یاد اصحاب سیدالشهدا شد بگوئید «یا لیتنی کنت معهم فأفوز فوزاً عظيماً». ای کاش با شما بودیم و به این پیروزی بزرگ می رسیدیم ما هم کشته می شدیم در این راه. ما هم قدمی، قلمی جلو می بردیم این کار را. این پروژه شما را ما هم در آن مشارکت می کردیم.

خطبه دوازدهم نهج البلاغه از کسی بعد از جنگ جمل میاید به امیرالمومنین میگوید یا علی من داداشم دوست داشت در این جنگ با شما باشد. حضرت می گویند «أهوي أخيك معنا؟». واقعا دوست داشت تو این جنگ با ما باشد؟ می گوید واقعا دوست داشت. حضرت می گویند «فقد شهدنا» حتما با ما بود. نمی گویند گوی با ما بود انگار با ما بود اینها نه، قطعاً با ما بود. بعدش مطلب را توسعه می دهند. می گویند «ولقد شهدنا في عسكرنا هذا قوم في أصلاب الرجال وأرحام النساء». کسانی در این جنگ با ما بودند که در صلب پدرانشان و در رحم مادرانشانند. هنوز به دنیا نیامدند «سیرعف بهم الزمان ويقوي بهم الايمان».

زمان این ها را بیرون خواهد داد و ایمان ها به واسطه این ها تقویت خواهد شد. اگر کسی دنبال تقویت ایمان خودش و دیگران است، دنبال پیشبرد راه اهل بیت است، او حتما در اصحاب سیدالشهدا بوده است. این را به عنوان نکته یکی از نکات پایانی داشته باشید که جابر چیزی که می گوید جابر خودش یک بزرگی برای خودش است. وقتی این را دارد تطبیق می دهد حتما جای تطبیق دارد. انشاء الله به این عبارت های جابر هم ما دقت داریم.

یک نکته دیگر که باید به آن اشاره کرد این است که همون جوری که مایه اصلی حج برائت است، یادتون هست گفتیم که این حکم رزمایش است. وقتی داریم می گوئیم حکم رزمایش است، یعنی که رزمایش است دیگر است. حج ماهیتش برائت است. حتی حضرت آقا دفعه اشاره مستقیم کردند.

ببینید در سوره مبارکه توبه وقتی حج اکبر رو می خواهد توضیح بدهد، این جوری توضیح میدهد «وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» آقا اعلان حج اکبر این است که خدا و رسول از مشرکین بیزارند.

این حج این است، اعلان برائت نه فقط برائت درونی، اعلان برائت. این همان کار ابراهیم است که در سوره مبارکه ممتحنه آمده است. همین آیه ۴ «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» برای شما اسوه حسنه ابراهیم است و کسانی که با ابراهیم هستند. اسوه حسنه چیست؟ «إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» ما هم از خودتان بری و بیزاریم و هم از آن چیزهایی که می پرستید، هم از منطقتون بری هستیم و بیزاریم هم از خودتان بیزاریم. مرگ بر شما.

خب این را در آیات قرآن داریم. «فَتَعَسَا لَهُمْ وَآصَلُ أَعْمَلُهُمْ» مرگ بر آنها. «كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ» بین ما و شما بغض تا الی الابد بین ما و شما بغض تا آن جایی که بالاخره پرچم توحید برود بالا. این طواقی که این طاغوت هایی که می خواهند به ما ضربه بزنند و راه انبیا رو سد بکنند ما الان بیزاریم. خب حالا رزمایشش چه میشود؟ رزمایش میشه اربعین.

اگر اربعین برائتی نشود. مثلا بشینیم دور همدیگه بگویم بخندیم بگویم گریه کنیم بگویم داستان بگویم این ها بگویم اصلا یادمان برود الان یک غزه ای هست، یک اسرائیلی هست، یک شرایط این جوری هست، یه آمریکایی هست، یک تروری هست. از این طرفش یک وعده صادقی هست و اینها. اگر اینها را نگوی، یم عزیزان این خودش در قرآن به نام گناه کتمان است. «لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ» اگر تبیین نشود این چیزها کتمان شده و گناه کتمان دارد. اگر حج ما برائتی نشود، اگر اربعین ما برائتی نشود، اگر پرچم غزه نباشد، اگر پیکسل غزه نباشد، اگر هیچی نباشد، شروع بکنیم به عزاداری کردن. این مثل این میماند که کسانی در سپاه سیدالشهدا بودند و آن طرف یزیدی ها بودند و یک عده آن دور دستها داشتند بر ابی عبدالله گریه می کردند. ما مگر می خواهیم این باشیم؟ ما می خواهیم در راه ابی عبدالله باشیم یا گریه کن ابی عبدالله باشیم؟ ما می خواهیم در راه ابی عبدالله باشیم. گریه کردن آن چیزی است که ما را به جهت حبی وصل می کند به جریان ابی عبدالله. خود گریه کردن یکهو چی نشود برای ما بت نشود یکهوپی. فکر بکنیم می توانیم گریه بکنیم و راه ابی عبدالله را هم نریم عوضش گریه کردیم دیگر.

نه وقتی که می گن «انا قتیل العبره» من کشته اشکم. ما کشته اشکمیم ائمه کشته اشک هستند. این اشک اشکی است که دارد راه راجلو می برد و اینها دارند بر اساس آن حرکت می کنند. «انا قتیل العبره» من کشته اشکم. کشته اشکم به این معناست. نه به این معنی که من فرار است یک عده بیایند گریه بکنند، به سر خودشان بزنند، قمه بزنند و این کار را بکنند، زنجیر بزنند، از این دسته راه بیندازند و این خودش برای خودش یه مطلوبیتی دارد. پس این هم بهش دقت می کنیم این هم به عنوان یه نکته. همان جوری که حج برائتی همان جوری میشود اربعین برائتی. پرچم غزه پیکسل غزه و فحش دادن به اینها. فحش یعنی چی؟ یعنی مرگ بر این از شما بیزاریم و معلوم بشوند حسینیان این کسانی هستند آزادگان جهان کسانی هستن که بیزاری و اعلام بیزاری میکنند.

چند تا نکته حاشیه ای هم بگویم بد نیست. گرچه حاشیه ای هم نیست. یکی از عناصر تربیت، یکی از مسائلی که در تربیت به شدت موثر است، مسئله فضا جریان است. شما ببینید مثل یک اتمسفر مغناطیسی که وقتی که این آهنرباها آهن ها می روند آنجا تبدیل میشوند به آهنربا. در این میدان های مغناطیس تبدیل می شوند به آهنربا. بهترین وسیله برای تربیت کردن انداختن آدم ها در فضا جریان تربیتی است. ببینید تو حج هم اتفاق می افتد.

در حج کسانی که تشریف برده اند می دانند که اصلا پوشیدن این لباس احرام همه جامه سفید. اصلا معلوم نیست کسی نمی فهمد که فقیر تست که غنی است. کسی نمی فهمد که چه کسی مدرک دکتر دارد چه کسی بی سواد است. چه کسی چه جوری است معلوم نیست. خب آن چیزی که حرف اول وصل شدن به خداست، آن چیزی که حرف اول تقواست، آن چیزی که حرف اول همین اعمال حج است، همه همین دیده می شود. حالا تا بروند در هتلها. حالا هتل یک مقداری باهم دیگر تا حدی ممکن است فرق داشته باشد که دیده نمی شود.

در اربعین همین جوری است. یکی از مهم ترین فضا جریان هایی که انسان ها می توانند به آن دقت بکنند که ببینند چه جوری دارد تربیت می کند. شما ببینید کسی اصلا می تواند در اربعین بگوید آقا می دانید من دارم چای می دهم دکترای فیزیک هسته ای دارم الان دارم چای می دهم؟ اگر چیزی بگوید می گویند برو آقا جون این حرفا چیست می زنی؟ منی که دارم واکس می زنم، منی که دارم پایت را می مالم، می دانی من روحانی فلانم پیش نماز مسجد بیسارم؟ برو آقا جان در راه امام حسین کسی نمی تواند از این حرف بزند.

ببینید این یکی از عوامل موثر فضا جریان است. برای همین دقت بکنید هیچ مفاخره ای نباید تولید بشود. یعنی نباید موکبهایمان یک جوری موکب بزنیم که در آن تفاخر کنیم. اساس کار اربعینی عدم تفاخر، عدم تو چشم کردن است. تو چشم نباید بکنی. آنجا همه هویتشان این است که حب الحسین یجمعنا. همه هویتشان این است که همه عاشق امام حسین هستند. هر کسی عاشق تر است بالاتر است. هر کسی محبتر است بالاتر است. هرکسی برائتش با دشمن بالاتر است، بالاتر است. برای همین است که دقت بکنید به این عنصر فضا جریان. کسی برای خودش منمی درست نکند در آنجا. برای خودش موقعیتی درست نکند. از موقعیت ها فرار بکنند. نمی گویم صحبت نکنند، نمی گویم کادر پزشکی نباشد، ولی کادر پزشکی هم آنجا سرش پایین است. «ظَاطَأُ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرِيفِكُمْ» همه سرها در آنجا پایین است. کسی نمی تواند بگوید من مهندس، من پزشکم. من اینم، من آخوندم، مجتهدم.

همانی هم که طبق خرما گذاشته است روی سرش نشسته وسط مسیر، ممکن است او عالمی باشد که انجا هست و این طور ما می فهمیم که آقا قدر انسان ها رو بدانیم. اینها آدمهای معتبری هستند، به این دقت بکنید. این ها عاشق امام حسین، محب امام حسین و محبوب امام حسین هستند.

خودتان را در این مغناطیس قرار بدهید. در این اتمسفر قرار بدهید و تربیت شوید، تربیت شویم. تربیت خیلی وقتها به این موعظه ها، بالا منبر رفتن ها نیست. همان اتفاقی که در جبهه ها می افتاد. جبهه ها هم همین جوری بوده است. شنیدید. پشت خاک ریز معلوم نبوده چه

کسی فقیر است غنی است، که چکاره است. آن چیزی مهم بوده که دارد وظیفش رو انجام میدهد و برای همین بوده است که در جبهه ها تربیت می شدند و متاسفانه ما امروزه خیلی وقتها نمی توانیم تربیت بکنیم. الان یکی از جبهه های خیلی خوب همین جبهه اربعین است. یکی از جبهه ها اردوهای جهادی و مسافرت جهادی است. به این دقت بکنیم. بودن با محرومین و مستضعفین است.

و شاید نکته آخری که می توانیم الان این جا فعلا به آن اشاره کنیم از دریای بی کرانه بحث اربعین، ما راجع به کعبه این را داریم که «وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَفَّ مِنْ أَرَضِنَا أَوْلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ تَمَرَّتْ كُلُّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» گعبه جایی است که به حرم امنی است که به واسطه وجود این امنیت همه ثمرات و همه میوه ها و همه خوبی ها به آن سمت گردآوری میشود.

شما الان دقت بکنید در اربعین هم همین جوری است. ثمرات همه چیز به آن سمت میرود. در حقیقت گسیل میشود به سمت موکبها. می بینید گسیل میشود. عاشقانه همه دارند یک سال زحمت می کشن پول این ور اون ور جدا می کنن برای اینکه بتوانند موکبهای امام حسین را اداره بکنند و این به واسطه حرم امن است. امنیت مربوط به امام است. امام است که «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» این ها هستند که امنیت را هستند. شما نگاه بکنید ان حکومتی که حکومت جهانی اهل بیت هم خواهد بود، آن امنیت درش فراوان است. یک دقتی بکنید ببینید در این راهپیمایی اربعین این تعداد زن در کنار این تعداد مرد حرکت می کند. ولی وقتی که حکومت، حکومت امام حسین است، جهت جهت به سمت امام است، می بینید که هیچ مردی به هیچ زنی کاری ندارد. زن ها در امنیت کامل در این موکبها می خوابند، در مسیرها پیاده روی می کنند. هر چقدر مردها هم بتوانند به این خانم ها کمک بکنند، این میشود آن حرم امن. این میشود «مَثَابَةٌ لِّلنَّاسِ وَأُمَّتًا.»

این میشود محل گردهمایی. آن جایی که قلوب به آن سمت متوجه شده است و این وقتی قلوب به سمت امام متوجه میشود امنیت درست می کند، وقتیکه قلوب به سمت امام متوجه میشود ثمرات به آن سمت حرکت می کند. و ما یک حکومت جهانی مهدوی را انشاءالله در همین تراز و با مدل اربعینی انشاءالله خواهیم دید. خب پادکست اربعین ما هم این سه قسمت تمام شد. خیلی حال کردیم با شما بودیم. شما هم شاید حال کردید. باز با این مباحثی که شنیدید حتما دعا کنید. حتما بیس از همه ما به دعای خیر احتیاج داریم. البته در کنار دعا خیرتان احتیاج به سوالاتان، نقطه نظراتان هم داریم که انشاءالله بتوانیم این پادکست ها رو هم ادامه بدهیم، هم تکمیل بکنیم. دم هم شما گرم. یادتان نرود ما را. یا علی خداحافظ